

# چهل و دومین سالگرد جانباختگان سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین افغانستان را

## گرامی می‌داریم!

پنجاه‌وشش سال قبل از امروز سازمان جوانان مترقی بر مبنای خط و مشی ایدئولوژیک - سیاسی علمی، مترقی با پیش گامی رفیق اکرم یاری پا به عرصه وجود گذاشت.

خط و مشی مبارزاتی سازمان جوانان مترقی یک خط و مشی مبارزاتی علمی ضد امپریالیستی، ضد سوسیال امپریالیستی (رویزیونیسم مدرن خروشچفی) و ضد ارتجاعی بود. بر اتکاء بر این خط و مشی علمی، اصولی و فعال سازمانی بود که سازمان جوانان مترقی توانست هفته نامه جریده شعله جاوید را به عنوان ناشر اندیشه‌های دموکراتیک نوین، با هم‌کاری دو جریان مترقی دیگر روی دست گیرد. جریان دموکراتیک نوین به زودی توانست که به یک جریان سیاسی وسیع و گسترده در سطح افغانستان تبدیل گردد.

جریان دموکراتیک نوین در مبارزاتش به خوبی توانست که اهداف شوم امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن و هم اهداف ضد انقلابی سوسیال امپریالیسم و دار و دسته ضد خلقی (حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعم از خلق و پرچم) را بعنوان نماینده بورژوا کمپرادور - بیروکرات وابسته به سوسیال امپریالیسم را افشاء نماید. متأسفانه که اکونومیسم خزیده در درون سازمان و جریان دموکراتیک نوین بعد از کناره‌گیری رفیق اکرم یاری از سیاست، فرصت را غنیمت شمرده و با یک توطئه زیر نام انتقاد سازمان و جریان دموکراتیک نوین را از درون ضربه زدند. این حوادث، سازمان و جریان را به دو بخش انتقادیون و مدافعین تقسیم نمود.

رهبری جدید سازمان جوانان مترقی نه تنها که نتوانست علیه مشی انحرافی و ارتدادی اکونومیسم مبارزاتش را پیش ببرد، بل که به اثر پاسیفیزم مسلط بر سازمان و جریان، سازمان را به سرعت به طرف انحلال کشاند. بعد از کودتای داود خان در 26 سرطان 1352 خورشیدی که به همکاری مستشاران "شوروی" و مزدوران خلقی، پرچمی شان صورت گرفت، منسوبین جریان دموکراتیک نوین بیش‌تر از پیش، سازمان و جریان را به طرف پراکندگی سوق دادند و زمینه ساز انحرافات و انشعابات بیش‌تری گردیدند و از صحنه سیاسی کشور به حاشیه رانده شدند.

کودتای ننگین هفت ثور 1357 خورشیدی مزدوران "شوروی" با همکاری مستشاران و قوای نظامی و قوای هوایی متجاوزین "شوروی" سرکوب‌گری سبعانه، وحشیانه وسیع و گسترده‌ای بخصوص جریان دموکراتیک نوین را در پی داشت.

کودتا چپان بعد از چند ماه قدرت‌گیری شان شروع به بازداشت منسوبین جریان دموکراتیک نوین نمودند، تعداد زیادی به شمول رفیق اکرم یاری تا اواسط سال 1358 خورشیدی بازداشت و شکنجه گردیدند. در 7 قوس 1358 خورشیدی زنده یاد رفیق اکرم یاری با جمعی از منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان به جرم مخالفت و مبارزه علیه رژیم کودتاگر، به دست دژخیمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان به بیرحمانه‌ترین شکل به قتل رسیدند و به جاودانگی پیوستند. از آن زمان تا کنون چهل و دو سال می‌گذرد، اما یاد و خاطره این رفقا جاودانه و گرامی است. به همین مناسبت ما همه ساله این روز را تجلیل نموده و یاد و خاطره رفقای جانباخته را گرامی می‌داریم و برای جانباختگان و مزدوران سوسیال امپریالیسم "شوروی" ننگ و نفرین نثار می‌کنیم.

جان باختگان 7 قوس 1358 خورشیدی بخش کوچکی از جانباختگان منسوبین جریان دموکراتیک نوین در طول دوران مبارزاتی علیه رژیم دست‌نشانده و اشغال‌گران سوسیال امپریالیزم "شوروی" را تشکیل می‌دهند. در طول دوران مبارزاتی علیه قوای اشغال‌گر سوسیال امپریالیزم "شوروی" ده‌ها هزار تن از نیروهای منسوب به جریان دموکراتیک نوین افغانستان به جرم مخالفت با رژیم دست‌نشانده و قوای اشغال‌گر سوسیال امپریالیزم "شوروی" قتل عام گردیدند. آن‌ها مبارزان سر به کف و جان‌بازی بودند که سر تسلیم به درگاه سوسیال امپریالیزم اشغال‌گر و دژخیمان کودتاگر شان فرود نیاوردند و به خاطر منافع توده‌های زحمت‌کش از حیات و زندگی‌شان گذشتند. آن‌ها به ما نیز درس ایثار و فداکاری را آموختند. آن‌ها به ما آموختند که با هر اشغال‌گر، هر مرتجع و هر میهن‌فروش سرسازش‌ناپذیر داشته و مبارزات خویش را علیه شان بطور اصولی، منظم و پی‌گیر پیش ببریم. آن‌ها با خون خود به ما آموختند که علیه تسلیمی و تسلیم طلبی نیز مبارزه بی‌امان نموده و تسلیم شدگان و تسلیم طلبان را از صفوف انقلابیون طرد نمائیم.

آن‌ها با پذیرش قربانی و مبارزات شان به بازماندگان شان این گونه خطاب نمودند.

**گور خونین شهیدان به تو آواز دهد**

**شعله را که فروزان شده خاموش مکن**

**ما به امید وفای تو گذشیم زجان**

**دوستان را مبر از یاد و فراموش مکن**

آن‌ها به کسانی که در راه مبارزه از خود تزلزل نشان دادند و به دشمن تسلیم گردید، نفرین فرستادند و فریاد زدند که

**به جبن لشکر ناستوار نفرین باد**

**که نام و رنگ علم را چه سان زبون دادند**

امروز بر ماست که راه اصولی رفقای جان‌باخته را ادامه دهیم و با تجارب شان بطور علمی، اصولی و دقیق برخورد نمائیم. اشتباهات، کمبودات و حتی انحرافات آن‌ها را شناسایی کنیم و از تکرار آن‌ها بپرهیزیم، جنبه‌های اصولی و مثبت را گسترش دهیم و از جنبه‌ها منفی شان گسست نمائیم.

تجارب مبارزاتی پنج‌ونیم دهه رفقای جانباخته جریان دموکراتیک نوین افغانستان به خوبی به ما آموخته است: تا زمانی که سازمان و جریان دموکراتیک نوین عمدتاً بر اصولیت، حتی با کمبودها و اشتباهات حرکت می‌کرد، بخوبی توانست که وحدت و یک پارچه‌گی را حفظ نماید. اما زمانی که اصولیت سازمان و جریان دموکراتیک نوین افغانستان زیر سوال رفت، خط انحرافی و غیر اصولی بر سازمان و جریان مسلط گردید. وحدت سازمان و جریان به سرعت فرو ریخت و سازمان و جریان، شکار توطئه، تفرقه و نفاق روز افزون گردید. همین وضعیت بود که نیروهای منسوب به جریان دموکراتیک نوین افغانستان حتی بعد از کودتای 7 ثور 1357 خورشیدی نتوانستند که برای رفع پراکندگی صفوف متفرق جریان چاره اساسی بسنجند. به همین ملحوظ نتوانستند که استقلال سیاسی خویش را از قطب بندی‌های سوسیال امپریالیستی و مزدورانش و امپریالیستی و مزدورانش در سطح کشور، منطقه و جهان حفظ نمایند، و مبارزات خویش را سمت و سوی انقلابی داده و تکامل بخشند.

این وضعیت باعث گردید که ده‌ها هزار نفر از رهبران، کادرها و صفوف شان از طرف اشغال‌گران سوسیال امپریالیست "شوروی" و مزدوران دست‌نشانده شان و هم‌چنین مزدوران امپریالیست (احزاب جهادی) قتل عام گردند. عدم خط و مشی اصولی زمینه ساز تسلیم طلبی طبقاتی در قبال احزاب ارتجاعی جهادی و بخصوص تسلیمی و تسلیم طلبی ملی در قبال اشغال‌گران سوسیال

امپریالیست و رژیم پوشالی گردید. این حرکت و عمل کرد (حرکات تسلیم طلبانه) شعله‌های خط اصولی سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین را در زیر خاکستر مدفون نمود. این صحبت بدان معنی نیست که ما قربانی‌ها و جان نثاری‌های بی‌همتای منسوبین جریان دموکراتیک افغانستان را علیه جنگ مقاومت سوسیال امپریالیزم "شوروی" و رژیم پوشالی را در نظر نداریم. بل که بدان معنی است که منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان در جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم "شوروی" و مزدوران وطنی شان فداکارانه سهم گرفتند و قربانی‌های بی‌همتایی را متقبل شدند، اما از این که از یک خط اصولی بر خوردار نبودند، به عنوان نیروهای ضمیمه مزدوران امپریالیزم غرب (احزاب جهادی) در جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم "شوروی" وارد اقدام گردیدند. به همین علت نه تنها نتوانستند استقلال سیاسی از دست رفته خود را بدست آورند، بل که بیش از پیش استقلال سیاسی خود را از دست دادند و نتایج این فداکاری را امپریالیزم و مزدوران وابسته اش بردند و منسوبین جریان دموکراتیک نوین در عرصه سیاسی جامعه به حاشیه رانده شدند و از طرف دشمنان عمده و غیر عمده کشور مورد سرکوب خونین قرار گرفتند.

در نیمه دهه شصت خورشیدی تعدادی از نیروهای منسوب به جریان دموکراتیک نوین افغانستان در مواجهه با این چالش‌ها با تأثیرپذیری از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، جنبش نوین کمونیستی را در افغانستان بنیان‌گذاری نمودند و با تکاملات خط اصولی سازمان جوانان مترقی و گسست از جنبه‌های منفی آن توانستند که شعله‌های فروزان دهه چهل خورشیدی را از زیر خاکستر انحرافات بیرون کشند و روح نوینی بر آن بدمند. از آن زمان تا کنون آن‌ها حامل و عامل خط اصولی سازمان جوانان مترقی و ممثل عملی وحدت در افغانستان هستند.

تجارب پنج و نیمه دهه گذشته بخوبی نشان داد، کسانی که زیر نام انتقاد به انحراف رفتند و حتی کسانی که قبل از کودتای هفت ثور و بعد از آن بیرق مستقل ایدئولوژیک - سیاسی سازمان جوانان مترقی را بدور انداختند، روزی به اکونومیزم و روزی به رویزیونیزم و یا به انحراف عمیق "مشی مستقل ملی" گرویدند و تا کنون بر این سوابق شان بر خود می‌بالند، آن‌ها نه تنها که حامل و عامل خط اصولی سازمان و جریان دموکراتیک نوین نیستند، بل که نظراً و عملاً نشان دادند که حامل خط تسلیم طلبی طبقاتی و ملی بوده و نظراً و عملاً به تفرقه و نفاق میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین دامن زده و می‌زنند. چنانچه بعد از قدرت‌گیری احزاب ارتجاعی جهادی این افراد به احزاب ارتجاعی جهادی تسلیم شدند و به بخشی از نیروهای شان در جنگ‌های خانمان سوز ارتجاعی داخلی تبدیل گردیدند و گاهی جبهه عوض نموده از زیر بیرق یک ارتجاع به زیر بیرق ارتجاع دیگر پناه برده و صدمات سنگینی را از این جبهه عوض نمودن متحمل گردیدند، اما تا کنون از این حرکت خائنانه درس عبرت نگرفته و بدون هیچ شرم و عاری از این کشته شدگان شان تجلیل می‌نمایند.

همین دید انحرافی عمیق شان بود که بعد از حادثه یازدهم سپتامبر 2001 میلادی و جنگ تجاوز کارانه امپریالیست‌ها تحت رهبری امپریالیزم متجاوز امریکا در رکاب تجاوزکاران امپریالیست قرار گرفتند و بعداً در شکل دهی رژیم دست‌نشانده نقش به‌سزایی بازی نمودند. آن‌ها در درون رژیم دست‌نشانده توانستند که چوکی‌های تا سطح وزارت، وکالت و ولایت را بدست آورند و عملاً در خدمت اشغال‌گران امپریالیست قرار گیرند، و به تبلیغ و ترویج افکار تسلیم طلبانه به پردازند و این افکار تسلیم طلبانه را در کتاب قطوری تیوریزه نمایند.

اعتقاد ما اینست که هیچ فرد و یا گروه سابقاً منسوب به جریان دموکراتیک نوین افغانستان ذاتاً و از لحاظ سرشت خود فاسد نیست، همان قسمی که ما خود نبوده ایم. ما با موضع‌گیری اصولی و قاطع توانستیم گذشته خود را تحلیل و تجزیه نموده و از جنبه‌های منفی آن گسست نموده و جنبه مثبت آن را تکامل دهیم، بر اساس این موضع‌گیری توانستیم در موضع‌گیری‌های اصولی دموکراتیک نوین قرار گیریم و سال‌ها است که بر مبنای این چنین موضع‌گیری‌ها حرکت نموده و مبارزات خویش را پیش می‌بریم. گرچه اوضاع و احوال متحول بین المللی، منطقوی و مبارزات درست و اصولی ما اثرات خود را روی تسلیم طلبی گذاشت و تعداد زیادی را متزلزل نمود و بسیاری از آن‌ها و حتی بطور ناقص علیه اشغال‌گران امپریالیست موضع‌گیری نموده و بعضی شان گذشته شان را بطور ناقص مورد ارزیابی قرار دادند، اما تعدادی از آن‌ها با شهید پرستی نه تنها به گذشته شان برخورد انتقادی نکردند، بل که تلاش نمودند تا گذشته انحرافی شان را تقدیس نمایند، با آن‌هم با تغییر اوضاع شگفت‌انگیز و تسلیم نمودن قدرت به طالبان

با حضور قوای نظامی اشغال‌گران امپریالیست تحت رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا یقیناً که این شرایط سخت و طاقت فرسا می‌تواند که منحرفین سرسخت بقایای جریان دموکراتیک نوین را سر عقل آورد. بناءً ما باید جداً در نظر داشته باشیم که مبارزات خویش را برنامه‌ریزی شده، منظم و پی‌گیر بخاطر وحدت به پیش بریم. ما باید ثمره مبارزاتی ولو نا تکمیل چندین ساله خود را پاسداری نموده و در جهت انکشاف و تکاملات اصولی بیش‌تر سوق دهیم. زیرا در روان جامعه ما منسوبین جریان دموکراتیک نوین یک کلیت به هم پیوسته محسوب می‌گردند و هیچ یک از افراد منسوب به این جریان نمی‌تواند در مقابل "خوش نامی" و یا "بدنامی" این جریان بی‌تفاوت باشد. لذا ناگزیریم که در حد توان خود چهره‌های که واقعاً به مردم و انقلاب فکر می‌کنند بر محور یک خط جمع نمائیم و ایشان را از چهره‌های بدنامی که اصلاً با انقلاب فاصله گرفتند تفکیک کنیم.

مبارزات ما با کسانی که دشمنان قسم خورده انقلاب و ترقی اند و نام جریان دموکراتیک نوین را بخاطر فریب و اغفال عناصر مترقی با خود یدک می‌کشند نمی‌تواند صرفاً یک مبارزه تیوریکی و تبلیغاتی باشد، بل که مبارزات ما علیه شان باید طوری پیش رود که آن‌ها را در وضعیتی قرار دهد که انقلابیون و توده‌ها قادر به تشخیص چهره حقیقی شان یا به عبارت دیگر چهره ضد انقلابی شان باشند.

بنابراین وظیفه ماست که سیاستی را در پیش گیریم تا نیروهای که متزلزل اند و سیاست قاطع جریان دموکراتیک نوین را دنبال نمی‌کنند به طرف موضع‌گیری قاطع و اصولی سوق دهیم.

اوضاع و شرایط کنونی افغانستان این امیدواری را بوجود آورده که بتوانیم در مقابل استبداد امارت اسلامی افغانستان بدیل آن یعنی درفش دموکراسی نوین را در افغانستان به اهتزاز در آوریم. باید این نکته را یادآوری نمائیم که این مبارزه باید جزء لاینجزای مبارزه و مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه علیه رژیم استبدادی امارت اسلامی و حامیان اشغال‌گر شان باشد.

ما امیدواریم که سایر شخصیت‌های موثر انقلابی و ملی دموکراتیک با تعدیلات "طرح پیش‌نهادی برای ایجاد هم‌آهنگی و اتحاد میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان" با ما همکاری نمایند، تا باشد مبارزات مشترک و متحد خویش را علیه رژیم استبدادی امارت اسلامی طالبان و حامیان اشغال‌گر شان بطور درست، اصولی، منظم و پی‌گیر به پیش بریم. و از طریق چنین وحدتی بتوانیم در آینده نزدیک یک طرح جامع و اصولی دموکراتیک نوین را از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی، تشکیلاتی و توده‌یی در یک مجمع عمومی تدوین و تصویب نمائیم و زمینه‌های تطبیق عملی آن را فراهم کنیم.

ما یقین کامل داریم که با اجرای این کار وظایف خود را در قبال جامعه و مردم ستم‌دیده کشور انجام داده و یاد جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین را گرامی داشته و راه آن‌ها هر چه اصولی‌تر به پیش بریم.

**یاد جانباختگان "جریان دموکراتیک نوین افغانستان" را گرامی داریم!**

**به پیش به سوی تدویر مجمع عمومی جریان دموکراتیک نوین افغانستان!**

**باینده باد وحدت نیروهای انقلابی ملی و دموکراتیک کشور**

**کمیته مبارزه برای ایجاد هم‌آهنگی و اتحاد میان منسوبین جریان دموکراتیک نوین افغانستان**

**7 قوس 1400 خورشیدی**

**28 November, 2021**

**[www.afghanistanarmy.org](http://www.afghanistanarmy.org)**

**[strugglecommittee4@gmail.com](mailto:strugglecommittee4@gmail.com)**